

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Content Analysis of Citizenship Education in Nahj al-Balāghah

تحلیل محتوای تربیت شهروندی در نهج البلاغه

1. Vahideh Eskandary: Lecturer Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Parvin Zolghadri*: Assistant Professor Department of Educational Science, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Email: zolghadri@pnu.ac.ir)
3. Yadollah Kasirloo: Assistant Professor Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

۱. وحیده اسکندری: مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. پروین ذوالقدری*: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (پست الکترونیک:

zolghadri@pnu.ac.ir)

۳. یداله کثیرلو: استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Abstract

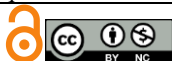
Citizenship education is among the important topics in social, political, and educational studies, with roots extending across history, and it has been addressed by both ancient and modern philosophers. The importance and status of this concept in the contemporary era are such that citizens are regarded as one of the key elements of societal development. The vast treasury of Nahj al-Balāghah by Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him) is one of the richest Islamic books and sources, containing major themes and components across all individual, educational, social, economic, political, and cultural domains. Despite the passage of many centuries since its compilation, the necessity of attending to and utilizing its themes in all individual, educational, social, economic, political, and cultural fields is felt more than ever. Given the significant position of citizenship education in society, the present study employs a qualitative content analysis method to examine and analyze the components of citizenship education in Nahj al-Balāghah. The findings indicate that components of citizenship education—such as freedom, tolerance and forbearance, critical thinking, and responsibility—are abundantly present in Nahj al-Balāghah.

Keywords: Citizenship education; method; Nahj al-Balāghah; qualitative content analysis.

چکیده

تربیت شهروندی از جمله مباحث مهم در مطالعات اجتماعی، سیاسی و تربیتی است که ریشه در گستره تاریخ داشته و فیلسوفان قدیم و جدید به آن پرداخته اند. اهمیت و جایگاه این مفهوم در دوران معاصر به گونه‌ای است که یکی از عناصر مهم توسعه یک جامعه را شهروندان آن جامعه می‌دانند. گنجینه عظیم نهج البلاغه امیرالمومنین علی (ع) یکی از غنی‌ترین کتب و منابع اسلامی است که حاوی مطالب و مولفه‌های عمده در تمامی زمینه‌های فردی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. که با گذشت چندین هزارسال از تاریخ نوشتن آن، لزوم توجه و استفاده از مضامین در تمامی زمینه‌های فردی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به جایگاه مهم تربیت شهروندی در جامعه، پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی به بررسی و تحلیل مولفه‌های تربیت شهروندی در نهج البلاغه پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های تربیت شهروندی که شامل (آزادی، تساهل و مدارا، تفکر انتقادی، مسئولیت پذیری...) در نهج البلاغه به وفور یافت می‌شود.

کلیدواژگان: تربیت شهروندی، روش، نهج البلاغه، تحلیل محتوی کیفی.



How to cite: Eskandary, V., Zolghadri, P., & Kasirloo, Y. (2026). Content Analysis of Citizenship Education in Nahj al-Balāghah. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(4), 1-14.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 September 2025

Revise Date: 03 February 2026

Accept Date: 10 February 2026

Initial Publish: 22 February 2026

Final Publish: 22 December 2026

شیوه استناددهی: اسکندری، وحیده، ذوالقدری، پروین، و کثیرلو، یداله. (۱۴۰۵). تحلیل محتوای تربیت شهروندی در نهج البلاغه. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۴)، ۱-۱۴.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۳ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

مقدمه

تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است دیدگاه‌های متنوع در خصوص تربیت شهروندی وجود دارد. صاحب نظران با توجه به نوع نگاه خود مؤلفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند. سامرز تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار متعهدانه و غیره را مد نظر قرار می‌دهند (Fathi Vajargah & Vahed Chookdeh, 2006).

اندیشمندان تربیتی و اجتماعی مانند روسو، لاک، کانت، جان دیویی نیز به موضوع تربیت شهروندی اشاره داشتند. روسو، کار تربیت را بیش از هر چیز دور نگه داشتن طبیعت آدمی از پلیدی‌های جامعه می‌دانست. لاک، وظیفه تربیت را بارآوردن افراد متناسب با فلسفه و اوضاع اجتماعی معرفی کرد. کانت، نیز تعلیم و تربیت را فرایند دموکراتیک فعال، آگاه و مسئول بارآوردن افراد در مقابل خود و جامعه تعریف نمود.

مؤلفه‌های شهروندی از منظر هانا آرنست عبارتند از روابط انسانی مبتنی بر احترام و دیگرپذیری، دیالوگ، اندیشه ورزی، مشارکت ورزی، آزادی بیان و کردار، تسامح و مدارا، فضیلت مدنی، مشارکت، داشتن مسئولیت (Khezri Aghdam et al., 2015).

با عنایت به اهمیت تعاملات و اجتماعی بودن فطری انسان‌ها، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود. احترام شهروندان به حقوق یکدیگر، تساهل و مدارا نسبت به عقاید همدیگر، مسئولیت‌پذیری، روش‌های دموکراتیک برقراری ارتباط با همدیگر، اقامه دلیل و مدرک قبل از صحبت کردن، احترام به برابری و فرصت‌های برابر، عدم تعجیل در قضاوت، تفکر انتقادی و اندیشه ورزی اصول ارزشمندی هستند که در جوامع امروزی و در تعاملات اجتماعی بیش از پیش به آنها نیاز است. به عبارتی مهم‌ترین عنصر توسعه یک جامعه، شهروندان آن جامعه هستند و باید به گونه‌ای تربیت شوند که از دانش، نگرش و مهارت‌های گوناگون برخوردار باشند.

یکی از نهادهای مهم که می‌تواند نقش بارزی در جامعه‌پذیری، پرورش و تربیت انسان‌ها داشته باشد. نهاد دین می‌باشد. دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، آموزه‌ها، اصول صریح و شفاهی برای روابط اجتماعی و تربیت شهروندی دارد که بدون شک، زلال‌ترین، غنی‌ترین و ناب‌ترین سرچشمه‌های معنوی و اجتماعی انسان قرآن کریم و معارف اهل بیت است و از جمله عالی‌ترین این سرچشمه‌های ناب معرفتی که اکنون در دسترس است کتاب گران سنگ نهج البلاغه است. نهج البلاغه کلام امیر المومنین (ع) است، کلامی که گرچه دون کلام خالق است، اما به گفته بزرگان سخن، مافوق کلام مخلوق است. نهج البلاغه تفسیر عملی قرآن کریم است که به قرآن در صحنه‌های گوناگون زندگی جامه تحقق می‌پوشاند و در عرصه‌های گوناگون ایمان، انسان‌سازی، حکومت، تعاملات اجتماعی و جز آن عینیت می‌بخشد (Khatami et al., 2019).

لذا در پژوهش حاضر با توجه به جایگاه محوری تربیت شهروندی، درصدد پاسخ به این سوال اصلی می‌باشیم

آیا مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد تاکید تنوریسین‌های شهروندی در نهج البلاغه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق:

سیاوش پورطهماسبی و اذر تاجور (۱۳۹۰) در بررسی حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه با استفاده از روش اسنادی، حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه و امام علی علیه السلام را در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری مورد بررسی قرار دادند (Pourtahmasbi & Tajvar, 2011).

نریمانی (۱۳۸۹) در بررسی "میزان رعایت مبانی، اصول و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی" با استفاده از روش پیمایش و نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان به این نتیجه‌گیری کلی رسید که نمی‌توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه‌های اسلامی در تحقق ابعاد مختلف مؤلفه‌های تربیت شهروندی مؤثر می‌باشند.

مطالعه ابعاد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه عنوان مقاله‌ای است که در سال ۱۴۰۳ توسط بهناز بابایی مراد و زینب درویشی انجام شده و محققین با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به این نتایج دست یافتند: مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی در نهج البلاغه عبارتند از: حقوق اجتماعی شهروندان، حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقتصادی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان، حقوق معنوی و حقوق قضائی شهروندان.

تعالی حقوق شهروندی؛ جستاری در مؤلفه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه عنوان پژوهشی است که توسط آمنه شاهنده در سال ۱۴۰۱ انجام شده و محقق در پاسخ به سوال اصلی پژوهش؛ دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مساله حقوق شهروندی چیست؟ به این نتیجه دست یافته که الگوی حقوق شهروندی در قرآن و نهج البلاغه شامل حقایق و راهبردهایی در مورد شاخصه‌های ارتباط مطلوب کارگزاران با مردم، حفظ کرامت انسانی، نحوه مدیریت و حکومت داری، انتقادپذیری و تفکر منطقی، حق حیات و آزادی عقیده انسان است.

با مطالعه پژوهش‌های بالا می‌توان دریافت اگر چه همه آنها به طور تلویحی به تربیت شهروندی پرداخته اند ولی از حیث روش به کاربرده شده و همینطور مبانی تئوریک، پژوهش حاضر متفاوت از آنهاست. لذا یک پژوهش نوآورانه محسوب می‌شود. پژوهش حاضر پژوهش در جستجوی پاسخ به این سوال اصلی شکل گرفته، آیا مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد تاکید نظریه پردازان شهروندی در نهج البلاغه وجود دارد؟

چارچوب نظری

شهروندی از مفاهیم با اهمیت در حوزه علوم اجتماعی است که ناظر بر نوع روابط میان افراد با یکدیگر است، روابطی که از سوی دولت نیز حمایت می‌شود. از لحاظ تاریخی ریشه‌های توجه به مفهوم شهروندی و حتی آموزش و یا تربیت شهروندی به دوران باستان باز می‌گردد. جمهوری افلاطون (۱۳۸۰) و سیاست (۱۳۵۸) ارسطو از جمله نخستین آثاری هستند که به ویژگی‌های یک شهر مطلوب و

نقش و وظایف شهروندان در آن پرداخته شده است. شهروندان مطلوب افلاطونی کسانی اند که از دو عنصر عقل و اراده برخوردارند همان گونه که از جنبه فردی ضروری است تا عقل بر اراده و احساس آدمی غلبه نماید. یک جامعه مطلوب، جامعه‌ای است که عقل جامعه - فیلسوفان- بر آن حکومت کنند. چنین نظامی امری طبیعی و لازم است (Khatami et al., 2019).

در قرن‌های بعد اندیشمندان تربیتی و اجتماعی مانند روسو، لاک، کانت، جان دیویی به موضوع تربیت شهروندی اشاره داشتند. روسو، کار تربیت را بیش از هر چیز دور نگه داشتن طبیعت آدمی از پلیدی‌های جامعه می‌دانست. لاک، وظیفه تربیت را بارآوردن افراد متناسب با فلسفه و اوضاع اجتماعی معرفی کرد. کانت، نیز تعلیم و تربیت را فرایند دموکراتیک فعال، آگاه و مسئول بارآوردن افراد در مقابل خود و جامعه تعریف نمود.

از منظر هانا آرنه حقوق و وظایف شهروندی اموری پیشینی نیست، بلکه بر ساختی از عمل شهروندان بر سازنده ساخت سیاسی است (Khezri Aghdam et al., 2015) به طوری که شهروند محق

است تا کیستی خود را با گفتار منکشف سازد و با داشتن حق آزادی بیان افکار، عقاید، نظریات خود را با دیگران در بستر عمومی در میان گذارد و همچنین علاوه بر گفتار به انجام کنش در عرصه سیاست بپردازد. در برابر آن، وی موظف است که این حقوق را برای دیگری نیز به رسمیت بشناسد و اجازه دهد دیگری گفتار و کنش خود را در بستر عمومی عرضه بدارد. علاوه بر اینها چنین شهروندی حق برخورداری از آزادی و تصدیق آنها برای دیگری دارد. حقوق دیگری که شهروند باید از آن برخوردار باشد و وظیفه دارد آنها برای دیگری به رسمیت بشناسد. سهم شدن در قدرت، مشارکت و تصمیم گیری است؛ بدین معنا که شهروندی که فاقد قدرت است توانایی سهم شدن در تصمیم گیریها و به تبع آن مشارکت در امور سیاسی را ندارد؛ زیرا وقتی که قدرت خاصیت توافقی خویش را از دست دهد و در دست اندکی قرار گیرد، دیگران از آن محروم و در نتیجه به خشونت تبدیل خواهد شد به گونه‌ای که در این شرایط شهروندان

قادر به مشارکت در امور سیاسی جامعه خود نبوده و ناتوان از تصمیم گیری درباره سرنوشت خویش خواهند بود (Khezri Aghdam et al., 2015).

آرنت رسیدن به سعادت را در گرو فضیلت (virtue) می‌داند و عقل ورزی را شالوده فضایل به شمار می‌آورد. در ساحت شهروندی نیز شهروندان اعمال خود را بر عقل عملی مبتنی می‌سازند و قبل از انجام هر عمل به تفکر می‌پردازند. یعنی تفکر زمینه را برای گفت و گوی درونی فرد با خویشتن فراهم می‌کند و در این گفت و گوست که تفکر با معنا بخشی مثبت و منفی به اعمال گوناگون خواست و اراده آدمی را برای انجام دادن عمل یا عدم انجام دادن آن شکل می‌دهد. لازمه چنین وضعیتی این است که شهروند از نظر فکری فردی مستقل و آزاد باشد و بتواند خود را از طریق تصمیم گیری‌های مبتنی بر عقل عملی و تشخیص معنای امور گوناگون دست به فعالیت بزند. شهروند آرنتی که واجد چنین ویژگی‌هایی است شهروندی فضیلت مند است. او مسئول در برابر دیگر شهروندان و همچنین متعهد به انجام عمل شهروندی خود است و در بستر عمومی در جهت خیر جمعی و برای رفع آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های بازگشت ناپذیری و پیش بینی ناپذیری عمل دیگر شهروندان، به تفکر می‌پردازد و با بازشناسی معنای مثبت در اعمال چون بخشودگی و قول دادن از آسیب‌هایی که متوجه حوزه سیاسی و نابودی آن است جلوگیری می‌کند (Khezri Aghdam et al., 2015).

از بحث‌های پیش گفته در باب شهروندی و ویژگی‌هایی چون آزادی، عقلانیت، مدارا، مسئولیت پذیری، تفکر منطقی، اندیشه ورزی، قابل دریافت است. به طوری که می‌توان گفت سازه شهروندی برساختی از این مؤلفه هاست که ویژگی‌های مهم و لازم را در این نوع شهروندی بازنمایی می‌کنند، پژوهش حاضر، این مؤلفه‌ها را به عنوان مبانی تربیت شهروندی در نظر می‌گیرد. و سعی بر آن است که این مفاهیم را در نهج البلاغه بیان نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر را می‌توان در زمره پژوهش‌های توصیفی- تحلیلی به حساب آورد که برای پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش؛ آیا مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد تاکید تنوریسین‌های شهروندی در نهج البلاغه وجود دارد؟ از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. بدین ترتیب، ابتدا، با مطالعه نظری به تحلیل تربیت شهروندی و تبیین مؤلفه‌های آن پرداخته و سپس محتوای نهج البلاغه برای بررسی مصادیق تربیت شهروندی در آن مورد مذاقه قرار گرفته. جامعه آماری تحقیق، تمامی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه است. واحد تحلیل نیز جملات خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت هاست.

یافته‌های پژوهش:

با توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی در آراء نظریه پردازان شهروندی که شامل مؤلفه‌هایی (آزادی، تساهل و مدارا، تفکر منطقی و اندیشه ورزی، مسئولیت پذیری) است. در این پژوهش ابتدا مؤلفه‌های مذکور را تعریف مفهومی می‌نمائیم، سپس به نقش آنها در نهج البلاغه می‌پردازیم.

تعریف آزادی: آزادی واژه‌ای اوستایی است از ریشه آزاتَه یا پهلوی از ریشه آزاتیه به معنای رها بودن، یله بودن، منقطع بودن، خالص بودن، آزاد مردی، خرمی، قدرت انجام و ترک عمل، قدرت انجام و ترک عمل، قدرت انتخاب، حریت، اختیار، عتق، خشنودی و.. است (Dehkhoda, 1994).

آزادی عقیده از دیدگاه امام علی (ع)

کلام زیبای امام علی علیه السلام در قرار دادن آزادی به عنوان اصلی اصیل بسیار زیباست که فرمود: "لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا" بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد آفریده است. (نهج البلاغه: نامه/۳۱)

امام علی (ع) با تأکید بر اصل اسلامی "لا اکراه فی الدین" این بخش نامه را صادر می‌فرمود: "انی لا احب ان اکره احداً علی ما یکره؛ هیچ فردی به انجام کاری که دوست نمی‌دارد، مجبور نمی‌شود" این جز احترام به فکر آزادی عقیده افراد و شهروندان نیست (Pourtahmasbi & Tajvar, 2011).

ایشان در نامه ۵۱ نهج البلاغه به امر آزادی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: "هیچ کس را از خواسته‌های مشروعش باز ندارید... و نیز به سبب گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید؛ هم چنین به مال احدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان، که در پناه اسلام است، دست نزنید" (نهج البلاغه: نامه / ۵۱).

حضرت امام علی (ع) در گفتار و رفتار خود آزادمنشی و حریت را به مردم آموخته و اختیار انسان را در سخن و عمل یادآور شده و پاداش و جزا در آخرت را نیز در راستای افعال اختیاری و آزادانه انسان ارزیابی کرده است (Abbasi, 2013). ایشان در پاسخ به یکی از سپاهیان در سفر شام که می‌پرسد: آیا رفتن ما به شام به قضا و قدر الهی است، قائل شدن به جبر و قضا و قدر حتمی (عدم اختیار و آزادی) را نفی می‌کنند و می‌فرمایند که اگر افعال و حرکات ما از سر جبر و قضای ختمی باشد و ما آزاد و مختار نباشیم، در این صورت، پاداش و کیفر دادن، باطل و وعده و وعید به ثواب و عقاب هم بی مورد است، اما خداوند متعال بندگانش را آزاد آفریده و اساسا امر و نهی الهی و طاعت یا معصیت خداوند، همه بر مبنای اختیار و آزادی انسان هاست؛ از همین روست که خداوند رسولان و پیامبرانی را با کتب آسمانی فرستاد تا انسان‌ها را هدایت کنند (نهج البلاغه: نامه / ۷۸).

ازادی بیان و امام علی (ع)

سیره امام علی در دوران حکومت نشان دهنده اهمیت به جایگاه و اهمیت آزادی بیان است ایشان در خطبه ۲۱۶ در همین راستا خطاب به مردم می‌فرمایند: پس با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، سخن مگویید و چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرید، دوری نجوید و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشی؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس از گفتن سخن حق یا مشورت درباره عدالت با من خودداری نکنید. (نهج البلاغه: خطبه / ۲۱۶)

با تأمل در نامه فوق به این مطلب می‌توان اشاره کرد که نقد و انتقادپذیری با وجود آزادی در جامعه محقق می‌شود در فرایند نقد آزادانه مردم می‌توانند به وضعیتی که در آن می‌زیند، اعتراض کنند و خواهان اصلاحات باشند. مهم تر از همه، عهدنامه ایشان به مالک اشتر نخعی است که در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: "برای کسانی که به تو نیاز دارند وقتی مقرر کن که شخصا و چهره به چهره) به نیاز آنها رسیدگی کنی و مجلسی عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده (و آنجا بنشین و مشکلات آنها را حل کن) در آن مجلس برای خدایی که تو را آفریده است تواضع کن و لشکریان و معاونان اعم از پاسداران و نیروی انتظامی را از آنها دور ساز تا هر کس بخواهد بتواند با صراحت و بدون ترس و لکنت زبان، سخن خود را با تو بگوید" (نهج البلاغه: نامه / ۵۳)

و در ادامه امام علی (ع) می‌فرمایند من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: "ملت‌ی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه‌ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد" پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز. (تا بتواند حرف دل خود را بگویند". (نهج البلاغه: نامه / ۵۳)

فراز اخیر، تعریف نسبتا کاملی از آزادی بیان در اندیشه علوی ارائه می‌دهد. بر این اساس، آزادی بیان یعنی کسی که حاجتی دارد باید بتواند بدون ترس و لکنت، سخن خود را با مسئول در میان بگذارد و حق خود را بگیرد. یعنی در حکومت اسلامی باید سازوکاری وجود داشته باشد که به دور از تکلفات اداری و نظامی، افراد قادر باشند نیازها و حتی انتقادات خود نسبت به حکومت را به راحتی با مراجع مربوطه در میان بگذارند و فرد مسئول موظف است با سعه صدر به سخن آنها حتی اگر با لحنی تند هم باشد گوش فرا دهد و ایشان را در بیان حاجات خویش محدود نسازد (Khajehpuri, 2012).

در مسائل سیاسی به ویژه برخورد با حاکمان، بیشتر افراد جامعه روش ستایش بی مورد و تملق‌گویی را در پیش می‌گیرند ولی در اندیشه اسلامی این شیوه برخورد با حاکم اسلامی جلوگیری و بر صراحت

بر آن حضرت تحمیل کردند. در مواضع گوناگون مانند قضیه حکمیت اعلام می کرد که: "مرا نرسد که شما را به چیزی وادارم که آن را ناخوش می انگارید."

در نهج البلاغه مردم در تعیین زمامدار حکومت نقش اصلی و اساسی دارند. آزاد بودن مردم در انتخاب حاکم تا آن درجه از اهمیت برخوردار است که امام علی (ع) مشروعیت حکومت خود را در آزاد بودن مردم و و رأی دادن آنان می دانند. حضرت علی (ع) در بررسی دلایل پذیرش حکومت می گوید: اگر این اجتماع مردم برای بیعت کردن با من نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند و خدا علما را نفرموده بود تا ستم ستمکار شکمباره را تحمل نکنند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار (خلافت و زمامداری جامعه) را از دست می گذاشتم. (نهج البلاغه، خطبه/۳).

در خطبه شششقیه در توصیف بیعت عمومی مردم می فرماید: روز بیعت، فراوانی مردم چون یالهای پر پشت گفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آن که نزدیک بود خسن و حسین علیح السلام لکد مال گردند، و ردای من از هر دو طرف پاره شد. مردم چون گله های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. (خطبه/۳)

همچنین حضرت در خطبه ۲۲۹ در توصیف بیعت مردم می فرماید: دست مرا برای بیعت می گشودید و من می بستم، شما ان را به سوی خود می کشیدید و من آن را می گرفتم، سپس چونان شتران تشنه که به طرف ابلشخور هجوم می آوردند بر من هجوم آوردید، تا آنکه بند کفشم پاره شد، و عبا از دوشم افتاد، و افراد ناتوان پایمال گردیدند، آن چنان مردم در بیعت با من خشنود بودند که خردسالان شادمان، و پیران برای بیعت کردن لرزان به راه افتادند، بیماران بر دوش خویشان سوار، و دختران بی نقاب به صحنه آمدند.

و نیز در خطبه دیگری در همین زمینه در وصف بیعت مردم می فرماید: مردم همانند شتران تشنه ای که به آب نزدیک شده، و ساربان رهانشان کرده، و عقال (پای بند) از آنها گرفته، بر من هجوم آوردند و به یکدیگر پهلو می زدند، فشار می آوردند، چنان که گمان

در لهجه و صداقت در گفتار تأکید شده است. به عنوان نمونه امام علی (ع) خطاب به جامعه ای که روش سازش با حاکم را در پیش گرفته بود می فرماید: "اما من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید، تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم، (نهج البلاغه: خطبه/۲۱۶).

آزادی سیاسی و امام علی (ع)

آزادی سیاسی از مفاهیمی است که تعریف متعدد و متنوع و گاه متناقض و متضاد از آن ارائه شده به گونه ای که نزدیک به ۲۰۰ تعریف از آزادی سیاسی شده است. این مسئله به دلیل رویکردهای متفاوت اندیشمندان و شهروندان در نظام های سیاسی و همچنین بافت های هویتی متفاوت در کشورهای جهان است. با این وجود، در مجموع می توان از میان مولفه های ارائه شده در این تعاریف، به تعریف منتخب زیر دست یافت: آزادی سیاسی عبارت است از برخورداری مردم از حق تعیین سرنوشت سیاسی خود در چارچوب قانون مورد اکثریت از طریق مشارکت آنان در انتخاب زمامداران سیاسی و امکان انتخاب شدن افراد شایسته توسط سازکارها و مکانیزم هایی نظیر آزادی اندیشه، بیان، حزب، مطبوعات، نظارت بر عملکرد حاکمان و انتقاد از آنان و سعه صدر و مدارای زمامداران با مخالفین (Mohseni & Javadani Moghaddam, 2019).

امام علی ع به دلیل اعتقاد عمیق نظری به دو مولفه بنیادین آزادی سیاسی یعنی "کرامت و اصالت انسان احترام به رای اکثریت مردم" و "تعلق حکومت به مردم" حاضر به ۲۵ سال صبر و سکوت شدند. پس از ارتحال پیامبر اکرم ص حضرت علی ع به منظور اداء تکلیف الهی و عمل به وصیت رسول خدا ص و احقاق حق الهی خود مبنی بر رهبری مسلمانان کوشش هایی را به عمل آورد؛ اما هنگامی که با عدم رضایت و ادبار عمومی مواجه گشت و اقدامات مسالمت آمیز و استدلال ها و احتجاجات عقلی و نقلی متقن امام علی ع آنها را قانع نساخت، سیاست صبر و سکوت را اتخاذ کرد. در حقیقت بیست و پنج سال خانه نشینی و محرومیت از مسند حکومت امری بود که مردم

کردم مرا خواهند کشت، یا بعضی به وسیله بعض دیگر می‌میرند و پایمال می‌گردند. (خطبه ۵۴)

در بخش نامه‌های نهج البلاغه هم امیرالمومنین اشاره به بیعت مردم مینمایند و می‌فرمایند: همه مردم با من بیعت کردند، البته نه با اجبار و اکراه، بلکه به اطاعت و اختیار. (نهج البلاغه: نامه / ۱) از این رو در سیاست علوی آزادی مشارکت عمومی در انتخاب زمامدار جامعه به نحو بارزی وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های ازدای سیاسی در جامعه‌ای این است که زمامداران بعد از بدست آوردن قدرت، ستم به ملت نکنند حضرت در نامه ۵ خطاب به اشعث بن قیس اشاره می‌کند که تصاحب مسند قدرت نباید وسیله‌ای باشد برای استبداد ورزی و سوء استفاده از بیت المال. ایشان می‌فرمایند: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نخواهد بود، بلکه امانتی است در گردن تو، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی. (نامه ۵۹)

در خطبه ۲۱۶ اشاره به ویژگی‌های حاکم و می‌فرمایند: از پست ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش باشند، و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد، و خوش ندارم، در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم، و خواهان شنیدن آن می‌باشم، سپاس خدا را که من چنین نبودم، و اگر ستایش را دوست می‌داشتم، آن را رها می‌کردم. از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید، تا نفس خود را به وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم خارج سازم، و حقوقی که مانده است را پردازم، و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا، کنم.

تسامح و تساهل

کلمات تسامح و تساهل در زبان عربی معمولاً مترادف با یکدیگر به کار برده می‌شوند. "تسامح" از ریشه "سمح" به معنای بخشش و سخاوت، بلند نظری، آزادی و آزاد منشی است، که به نوعی بزرگواری و جوانمردی در آن نهفته است؛ "تساهل" از ریشه "سهل" به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن، سعه صدر و تحمل هر گونه

عقیده مخالف می‌باشد. در فرهنگ لغت انگلیسی چند واژه مختلف، معادل تسامح و تساهل و مدارا بیان شده است که معروف ترین آنها در فرهنگ غربی کلمه "tolerance" به معنای بردباری، تحمل، اغماض، سعه صدر و مدارا است (Mofatekhari et al., 2013).

تساهل و مدارا در اندیشه امام علی (ع)

یکی از راه‌های دست یابی به دیدگاه اسلام در زمینه‌های مختلف بررسی سیره اهل بیت(ع) است. زیرا اهل بیت(ع) تعیین عینی اسلام هستند. امام علی(ع) نیز مصداق عینی اسلام و قول و فعل او جلوه جلوه معارف و احکام الهی است. و برای همه کسانی که در جستار راه کمال هستند، الگو و اسوه‌ای نیکوست. او قرآن ناطق است و کتاب خدا قران صامت. امام علی(ع) در دوران زمامداری و حکومت خود هیچ گاه به شیوه حاکمان جبار حکومت نمی‌کرد و تسامح و تساهل را رعایت می‌کرد. ایشان در نهج البلاغه در خصوص اخلاق رهبری و روش برخورد با مردم خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:

"مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرا ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در افرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر." (نهج البلاغه: نامه ۵۳) و در بخش بعدی همین نامه و در خصوص روش برخورد با دشمن می‌فرمایند:

"هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان، و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد. بر بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش." (همان)

حضرت در بیانی کوتاه اما پرمعنا در اهمیت مدارا و سعه صدر می‌فرماید: "سعه صدر هنگامی خود را به خوبی نشان می‌دهد که فرد با داشتن قدرت و توان بر مجازات، اقدام به عفو کند" (نهج البلاغه،

۱۳۸۰: نامه ۵۳) امیرالمومنین در اهمیت مدارا و تلاش برای حفظ سرمایه اجتماعی در جامعه توصیه‌هایی در بخشی از نامه ۳۱ خطاب به امام حسن مجتبی می‌فرماید:

"چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن. اگر روی برگرداند تو مهربانی کن. هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، با آن کس که با تو درشتی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود، با دشمن خود با بخشش رفتار کن."

حضرت امیر المومنین (ع) در نامه‌های متعدد بر تساهل و مدارا تأکید می‌نمایند و در نامه ۷۷ نهج البلاغه، روش مناظره با دشمن می‌فرماید: "به قرآن با خوارج به جدل مپرداز؛ زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده، و تفسیرهای گوناگونی دارد، تو چیزی می‌گویی، و آنها چیز دیگر، لکن با سنت پیامبر (ص) با آنان به بحث و گفتگو پرداز، که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند." (نهج البلاغه: نامه/۷۷)

در نامه ۶۹ خطاب به کارگزاران حکومتی می‌فرماید:

"خشم را فرو نشان، و به هنگام قدرت ببخش، و به هنگام خشم فروتن باش، و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی. و نیز در موضوع اخلاق فرماندهی با مردم می‌فرماید: "به هنگام دیدار، و در مجالس رسمی، و در مقام داوری، گشاده رو باش، و از خشم پرهیز، که سبک مغزی، به تحریک شیطان است." (نهج البلاغه: نامه/۷۶)

با تأمل در فرمایشات مولای متقین می‌توان گفت که تساهل و مدارا از محورهای مورد تأکید می‌باشد و در خطبه‌های مختلف این فضیلت اخلاقی را مورد توجه قرار می‌دهد به عنوان نمونه در خطبه‌های ۲۰۶ نهج البلاغه در "منع دشنام شامیان" می‌فرماید: "من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک تر و عذر پذیر تر بودید، خوب بود بجای دشنام آنان می‌گفتید: خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند و آنان که با

حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند." و همچنین در خطبه دیگر یکی از نشانه‌های پرهیزکاران را داشتن روحیه نرمخویی می‌دانند. "از نشانه‌های پرهیزکاران این است که او را اینگونه می‌بینی، در دینداری نیرومند، نرمخو و دوراندیش." (نهج البلاغه: خطبه/۱۹۳)

در اندیشه امام علی (ع) حاکم اسلامی باید از خوی استبدادی، دور و انتقاد پذیر باشد و شنیدن سخن حق بر او سنگین نیاید. ایشان در این باره در نهج البلاغه می‌فرماید: "با زبانی که با گردن کشان سخن می‌گویند، با من سخن مرانید و چنان که از حاکمان تند خو، کناره می‌جویند، از من کناره مجوید و برای من ظاهر سازی و خود نمایی نکنید و بر من گمان مبرید که اگر حرف حقی بگویند، پذیرفتنش بر من سنگین است و گمان نکنید که من می‌خواهم که که بزرگم شمارید. چه آن کسی که شنیدن سخن حق و یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید، اجرای حق و عدل بر وی سنگین تر می‌نماید، پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطایمن ام، مگر آن که خداوند مرا کفایت کند که از من بر آن تواناترست." (نهج البلاغه: خطبه/۲۱۶)

امیرالمومنین در اهمیت مدارا و نفی سیاست جنگ و ورزی در خطبه ۵۵ پیرامون توضیحاتی در خصوص پاسخگویی به انتقادات یاران در به تاخیر انداختن جنگ صفین می‌فرماید: "به خدا سوگند! هر روزی که جنگ را به تاخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند."

همچنین در خطبه ۶۱ هم اشاره به عدم خشونت و سیاست مدارا با خوارج می‌نمایند و می‌فرماید: بعد از من با خوارج نبرد نکنید، زیرا کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرد مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و انرا یافته است."

ایشان در خطبه مشهور قاصعه می‌فرماید: "اگر خداوند رخصت کبر ورزیدن را به یکی از بندگانش می‌داد، به یقین چنین منتهی را بر پیامبران گزیده و دوستانش می‌نهاد، لکن خدای سبحان بزرگ منشی را بر آنان ناپسند دید و فروتنی شان را پسندید." (خطبه ۱۹۲)

۱۶۸) ریشه کلمه انتقاد نقد است. نقد در همه زبان‌های اروپایی، البته با کمی تفاوت، بالغت "کریتیسم" Critic شناخته می‌شود که از واژه یونانی "کریتیس" Crities مشتق شده و برای خود یونانیان معنایی چون "جداسازی"، "داوری"، و یا حتی "دادرسی" نیز داشته است (Mohammadi Pouya & Salehi, 2014).

تفکر انتقادی و اندیشه ورزی در دیدگاه امام علی (ع)

در جهان بینی اسلامی، اندیشه ورزی و تفکر عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است. امام علی می‌فرماید: "انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال". (خوانساری، ۱۳۶۰) مولای متقیان همانند قرآن، اهمیت تفکر در امور دنیا و آخرت را اذعان می‌نمایند و آن را سبب پیروزی و موفقیت افراد می‌داند و در بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: (هر کس اندیشه خود را به کار گیرد حقایق را می‌بیند و راه صحیح را انتخاب می‌کند). ایشان در حکمت ۵ نهج البلاغه می‌فرماید اندیشه آینه‌ای شفاف است. و در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه یکی از فضایل پرهیزکاران را اندیشه ورزی می‌دانند و می‌فرماید: پرهیزکاران قرآن را جزء به جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند. از شیوه‌هایی که مولای متقیان در نهج البلاغه به کار برده است. درخواست تفکر از مخاطب است. به عبارت دیگر، حضرت مستقیما از مخاطب می‌خواهد که در موضوع مورد بحث فکر کند. مثلا در نامه ۳۱ نهج البلاغه، حضرت وصیت‌هایی به فرزند خویش دارد که در ابتدای آن، از وی می‌خواهد اندیشه کند: "پسرم در وصیت من درست بیندیش..."

همچنین فرمود: "لا علم کالتفکر؛ یعنی هیچ دانشی هم سان تفکر نیست" (نهج البلاغه: حکمت/۱۱۳)

عقل و تدبیر یکی از مولفه‌هایی است که به وفور در سخنان امام علی علیه السلام یافت می‌شود؛ که در کلام ایشان عقل و فکر به عنوان بی نیازترین بی نیازها (حکمت ۱۱۳- حکمت ۳۸ و ۵۴) وسیله نجات (همان، حکمت ۴۰۷)، بهترین علوم (حکمت ۵ و ۱۱۳) و عبادت پروردگار (همان، خطبه ۲۲) بیان شده است. قلوب و وجدان‌های پاک، گوش‌های شنوا، افکار جدی و عقول حسابگر

یکی دیگر از بخشهای ارزشمند کتاب نهج البلاغه بخش حکمت‌ها می‌باشد که در همین بخش شاهد توجه به مبحث تساهل و مدارا هستیم. به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند: "انکه پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است". (نهج البلاغه: حکمت/ ۱۳۸) "بخشش بیش از خویشاوندی محبت آورد". (نهج البلاغه: حکمت/ ۲۴۷) و در حکمت ۵۲ به ارزش مدارا و گذشت اشاره می‌نمایند؛ "سزاوارترین مرم به عفو کردن، تواناترینشان در کیفر دادن است" (نهج البلاغه: حکمت/ ۵۲). و نیز در حکمت ۱۱ نهج البلاغه می‌فرماید: "اگر بر دشمن دست یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی او قرار ده". در بخش حکمت‌ها شاهد تاکید وافر بر امر مدارا هستیم که نمونه‌های از آن عبارتند از: "هر کس که از آبروی خود بیمناک است از جدال پرهیزد". (نهج البلاغه: حکمت/ ۳۶۲) "در دوستی با دوست مدارا کن، زیرا شاید روزی دشمن تو گردد، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد." (نهج البلاغه: حکمت/ ۲۶۸) "دوستی کردن نیمی از خردمندی است". (نهج البلاغه: حکمت/ ۱۴۲) "برادرت را با نیکی سرزنش کن، و شر او را با بخشش بازگردان." (نهج البلاغه: حکمت/ ۱۵۸) و در حکمت ۶۷ می‌فرماید: "از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن از آن کمتر است."

امام علی (ع) به عنوان حاکم عادل و نمونه‌ای از اسلام محمدی که در دوران ریاست و زمامداری سعه صدر را عملا بکار بردند و با بیان جمله "اله الریاسه سعه الصدر" (نهج البلاغه: حکمت/ ۱۷۶) بر نقش سعه صدر و تحمل بسیار حاکم و زمامدار جامعه اذعان می‌نمایند. تفکر انتقادی یکی از مؤلفه‌های مورد تأکید در تربیت شهروندی است. در این بخش به تعریف تفکر انتقادی و جایگاه آن در نهج البلاغه می‌پردازیم.

تعریف تفکر انتقادی

تفکر بر وزن تفاعل از واژه فکر به معنی اندیشیدن است. فکر در لغت یعنی اندیشه، تأمل، اعمال نظر و تدبیر، برای بدست آوردن واقعیات، عبرت‌ها و غیره (قرشی، ۱۳۶۱) به نقل از کریمیان و دیگران، ۱۳۹۵:

شهر و آبادی‌ها؛ چرا که شما (در برابر همه این‌ها) حتی سرزمین‌ها و چهارپایان مسئولید. (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۷) و در خطبه ۲۱۶ در بیانی فرموده است: "لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ"

در اندیشه اسلامی هر جا حقی هست، ناگزیر تکلیف و مسئولیتی هم در قبال آن شکل می‌گیرد. در اندیشه علوی همین ویژگی با مفهوم حقوق متقابل مردم و رهبری قابل درک است. ایشان در همین خطبه حقوق متقابل رهبری و مردم می‌فرمایند: "پس خدای سبحان! برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد، و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند، و حقی بر کسی واجب نمی‌شود، مگر همانند آن را انجام دهد. و در میان حقوق الهی بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم، و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد، و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر، و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت. و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند، و زمامدار حق مردم را پردازد، حق در آن جامعه عزت یابد، و راههای دین پایدار، و نشانه‌های عدالت برقرار، و سنت پیامبر (ص) پایدار گردد، پس روزگار اصلاح شود، و مردم در تداوم حکومت امیدوار، و دشمن در آرزوهایش مایوس می‌شود. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار، و نیرنگبازی در دین فراوان می‌گردد. و راه گسترده سنت پیامبر (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل، و بیمکاری‌های دل فراوان گردد، مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می‌شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند، پس در آن زمان نیکان خوار، و بدان قدرتمند می‌شوند، و کيفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود. پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید، و نیکو همکاری نمایید. (خطبه ۲۱۶)

مثال‌های رسا و پندهای شفاپذیر را می‌پذیرند و به وسیله آنها انحراف‌ها و بیماری‌های درونی آنها رفع می‌شود. (همان، خطبه ۱۴۴) انسان بصیر و دانا به همه چیز با دیده عبرت نگاه می‌کند و با فکر و اندیشه از آن سود می‌برد (همان، خطبه ۱۵۳، ۱۰۳ و ۱۰۵) (Javanbakht et al., 2018).

کاربردهای اندیشه در نهج البلاغه

۱. عقل، عقول و عاقل: بیشترین کاربرد خرد و خردورزی در نهج البلاغه به صورت "عقل" و "تعقل" است.
۲. فکر: واژه "فکر"، "تفکر"، "فکره" و "مفکر" نیز کاربرد زیادی دارد؛ مانند: حکمت ۴۰، ۴۱، ۱۵۰، ۱۱۳؛ خطبه ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۱۰، ۱۵۳، ۱۰۳ و نامه ۳۱
۳. رأی: در بعضی سخنان واژه "رأی" نیز به معنای اندیشه می‌باشد؛ مانند حکمت‌های ۴۸، ۱۷۳، ۱۶۱، ۱۷۹ و نامه ۶۹.
۴. لب، لیب، اللب: "لب" به معنای خرد و "لیب" به معنای خردمند و همچنین "الالباب" به صورت جمع به کار رفته است. مانند: خطبه‌های ۸۸، ۱۵۴، نامه ۳۱.
۵. حکمه و حکیم: گاهی به معنای چیزی است که از جهل منع می‌کند. (شرقی، ۱۳۶۶: ۱ | ۴۳۷)
۶. فقه: مانند خطبه ۱۱۰
۷. بصیره، بصیر، بصائر و ابصار: نیز به معنای فکر و اندیشه به کار برده می‌شود؛ مانند خطبه‌های: ۴۹، ۶۴، ۸۴؛ حکمت ۲۸۱ (Javanbakht et al., 2018).

تعریف مسئولیت پذیری

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی یا کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پایبندی او بودن است (Dehkhoda, 1994).

مسئولیت پذیری در دیدگاه امام علی (ع)

یکی از مهمترین مبانی اندیشه امیرمومنان علی (ع) بحث مسئولیت پذیری است. ایشان در بیانی پر مغز در همان آغاز خلافت خویش می‌فرمایند: "تقوای الهی پیشه کنید؛ هم در مورد بندگان خدا، هم

و در نامه ۵۳ در تاکید بر مسئولیت رهبری به کارگزارانش دستور می‌دهد که در صورت اشتباه حاکم باید به جبران مافات بپردازد و از این بابت غرور به خرج ندهند و تاوان عمل خود را پس دهند در همین زمینه ایشان به مالک اشتر فرموده است: "اگر به خطا خون کسی ریختی یا تازیانه یا شمشیر یا دست دچار تند روی شد مبادا غرور قدرت، تو را از پرداخت خونبها به بازماندگان مقتول باز دارد". (نامه ۵۳)

دامنه مسئولیت پذیری در نهج البلاغه فقط در بخش حاکم و رهبری نیست. در اندیشه امیرالمومنین انسان‌ها در جامعه نسبت به یکدیگر مسئول هستند انچه‌انکه در حکمت ۳۲۸ شاهد تاکید بر اهمیت مسئولیت اغنیاء و نقش آنها اشاره می‌نمایند و می‌فرمایند: "همانا خدای سبحان روزی فقراء را در اموال سرمایه داران قرار داده است. پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران، و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید." (نهج البلاغه: حکمت/۳۲۸)

در حکمت ۳۹۹ اشاره به حقوق فرزند و پدر می‌فرماید: "همانا فرزند را به پدر، و پدر را به فرزند حقی است، پس حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد." (حکمت ۳۹۹) همچنین در حکمت دیگری شاهد تاکید مسوولیت عالمان نسبت به افراد بی سواد هستیم که می‌فرمایند: "خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آنکه از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند." (حکمت ۴۷۸)

نتیجه گیری

از ویژگی‌های جوامع دموکراتیک پرورش کنشگرانی است که واجد خصوصیات شهروندی باشند. و یکی از نهادهایی که می‌تواند نقش مهمی در پرورش و نهادینه کردن شهروندی داشته باشد. نهاد دین می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای کیفی نهج البلاغه به عنوان یکی از کتب مهم دین اسلام به این نتیجه دست یافتیم که نظریه تربیت شهروندی که شامل (تساهل و مدارا، مسوولیت

ایشان در خطبه ۳۴ به مسوولیت مردم و رهبری، اشاره می‌نمایند و می‌فرمایند: "مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید، و اما حق من بر شما این است که با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید".

در خطبه ۱۰۵ اشاره به مسوولیت‌های امام و رهبر می‌نمایند و می‌فرمایند: "همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید، و آن کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگهداشتن سنت پیامبر (ص)، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت المال به طبقات مردم."

حضرت در خطبه شفشقیه بدست گرفتن حکومت را به دلیل مسوولیت اجتماعی که برعهده ایشان بود مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغالها بی ارزش تر است." (خطبه ۳) و در نامه ۵۹ اشاره به مسوولیت‌های رهبری و ویژگی‌های حاکم می‌فرمایند:

"اگر رای و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می‌دارد، پس کار مردم در آنچه حق است نزد تو یکسان باشد. زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی‌شود، از آنچه که همانند آن را بر دیگران نمی‌پسندی پرهیز کن." (نامه ۵۹) و در ادامه می‌فرمایند: "از جمله حقی که بر توست آن که، نفس خویش را نگهبان باشی، و به اندازه توان در امور رعیت تلاش کنی".

تربیت شهروندی در زندگی کنشگران و مسلمانان باید مطمح نظر قرار بگیرد.

و همینطور در خاتمه می‌توان مدعی شد که دین اسلام به عنوان کاملترین دین آسمانی نقش مهمی در تربیت شهروندی - به مثابه یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی - ایفا می‌کند. به عبارتی دین و تربیت شهروندی دو واقعیت اصیل، گسترده و بسیار تأثیر گذار در همه احوال زندگی انسان به شمار می‌آیند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Citizenship education constitutes a multidimensional and historically grounded concept within social, political, and educational thought, encompassing normative expectations about individual conduct, collective responsibility, and the quality of social interaction. Classical and modern theorists alike have emphasized that the sustainability and development of societies depend fundamentally on the formation of citizens who possess not only legal status but also moral dispositions, cognitive capacities, and participatory competencies. Contemporary discussions of citizenship education highlight components such as freedom, tolerance, critical thinking, responsibility, dialogue, and commitment to the public good, which together shape active and reflective citizenship. In Islamic intellectual traditions, these concerns are not treated as external or secondary to religious life but are deeply embedded within ethical, spiritual, and social teachings. Among Islamic sources, *Nahj al-Balāghah*, a compilation of sermons, letters, and aphorisms attributed to Imam Ali ibn Abi Talib, occupies a distinctive position as a comprehensive repository of moral, political, and educational guidance. Scholars have repeatedly argued that *Nahj al-Balāghah* provides an integrated vision of human development that links individual virtue to social justice and political

پذیری، تفکر انتقادی، آزادی و...) در نهج البلاغه وجود دارد و نیز می‌توان به اهمیت مضاعف کتاب ارزشمند نهج البلاغه اذعان نمود و به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای: "این کتاب (نهج البلاغه) وقتی در کنار قرآن قرار گیرد، یقیناً تالی قرآن است؛ یعنی ما دیگر کتابی نداریم که دارای این حد از اعتبار و جامعیت و قدمت باشد، لذا احیای نهج البلاغه تنها وظیفه شیعیان نیست، بلکه وظیفه همه مسلمانان است، همه مسلمانان به عنوان احیای یک میراث بی‌نظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کنند." (خاتمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶) و این احیای نهج البلاغه و عملیاتی کردن مفاهیم نهج البلاغه من الجمله مفاهیم

responsibility, thereby offering a rich framework for examining citizenship education from an Islamic perspective (Fathi Vajargah & Vahed Chookdeh, 2006; Khatami et al., 2019). The present study situates itself within this intellectual context by systematically analyzing the content of *Nahj al-Balāghah* in order to identify and explicate core components of citizenship education as articulated in Imam Ali's thought.

From a theoretical standpoint, the study draws upon both Western and Islamic conceptualizations of citizenship to construct an analytical lens for content analysis. Thinkers such as Rousseau, Locke, Kant, and Dewey emphasized education as a means of cultivating autonomy, moral responsibility, and democratic participation, while modern political theorists, notably Hannah Arendt, conceptualized citizenship as an active practice grounded in speech, action, plurality, and shared responsibility in the public realm. Arendt's emphasis on freedom, dialogue, participation, and responsibility resonates strongly with Islamic ethical-political thought, particularly as expressed in *Nahj al-Balāghah* (Khezri Aghdam et al., 2015). Within the Islamic tradition, citizenship-related values are articulated through concepts such as human dignity, justice, freedom of belief, consultation, accountability, and mutual rights and duties between rulers and the ruled. Imam Ali's

teachings present citizenship not merely as legal membership but as an ethical commitment rooted in reason, conscience, and social solidarity. By integrating these perspectives, the present study conceptualizes citizenship education as a composite of interrelated components—freedom, tolerance and forbearance, critical and reflective thinking, and responsibility—each of which can be systematically traced within the textual corpus of *Nahj al-Balāghah* (Khezri Aghdam et al., 2015; Pourtahmasbi & Tajvar, 2011).

Methodologically, the research adopts a qualitative content analysis approach, suitable for uncovering latent meanings, conceptual patterns, and normative orientations embedded within classical texts. The entire corpus of *Nahj al-Balāghah*—including sermons, letters, and short aphorisms—constitutes the analytical population, while sentences and thematic units serve as the units of analysis. The study proceeds in two stages: first, a conceptual clarification of key citizenship education components based on theoretical literature and prior studies; second, a systematic examination of the text to identify passages corresponding to these components. Qualitative coding enables the classification of textual evidence under analytically defined categories, allowing for an interpretive synthesis that respects both the semantic richness of the original text and the theoretical constructs of citizenship education. This methodological design aligns with previous research that has employed documentary and qualitative approaches to explore citizenship rights and education in *Nahj al-Balāghah*, while offering a more explicit theoretical grounding and integrative analytical framework (Pourtahmasbi & Tajvar, 2011).

The findings of the content analysis reveal that freedom occupies a foundational position in Imam Ali's conception of human and social life. Freedom is articulated not only as freedom of belief and expression but also as moral autonomy and resistance to domination, encapsulated in the well-known dictum urging human beings not to become slaves of others when God has created them free.

Numerous passages emphasize freedom of conscience, voluntary religious commitment, and the rejection of coercion, thereby underscoring freedom as a prerequisite for authentic moral agency (Abbasi, 2013). Closely related to freedom is the principle of tolerance and forbearance, which emerges as a central ethical and political virtue. Imam Ali repeatedly advocates leniency, forgiveness, and compassion in interpersonal relations and governance, emphasizing that power should be exercised with restraint and mercy rather than coercion or vengeance. Tolerance is framed as a manifestation of moral strength and social wisdom, essential for preserving social cohesion and preventing violence and injustice (Mofatekhari et al., 2013). These themes collectively point to a vision of citizenship grounded in respect for human dignity and peaceful coexistence.

Another major finding concerns the prominence of critical thinking and rational reflection in *Nahj al-Balāghah*. Imam Ali consistently encourages the use of reason, contemplation, and discernment as means of attaining truth and avoiding error. Thoughtful deliberation is presented as superior to uncritical imitation, and intellectual independence is valorized as a moral and civic virtue. The text contains numerous exhortations to reflect on actions, evaluate claims based on their merit rather than their source, and engage in self-examination and dialogue. Such emphases align closely with modern conceptions of critical thinking as a core component of citizenship education, enabling individuals to participate meaningfully in social and political life (Javanbakht et al., 2018; Mohammadi Pouya & Salehi, 2014). Complementing this cognitive dimension is a robust conception of responsibility, encompassing accountability toward God, society, and oneself. Imam Ali articulates responsibility as a reciprocal relationship between rulers and citizens, as well as among members of society, stressing social justice, care for the vulnerable, and ethical stewardship of power and resources (Dehkhoda, 1994). Responsibility thus emerges as an integrative

principle linking freedom, rationality, and moral obligation.

In conclusion, the analysis demonstrates that *Nahj al-Balāghah* offers a comprehensive and coherent model of citizenship education grounded in freedom, tolerance, critical thinking, and responsibility, articulated within a unified ethical and spiritual framework. These components are not treated as abstract ideals but as practical principles guiding individual conduct, social interaction, and political governance. The study underscores the capacity of Islamic intellectual heritage, exemplified by Imam Ali's teachings, to contribute meaningfully to contemporary debates on citizenship education and democratic social development. By revealing the depth and systematic nature of citizenship-related concepts in *Nahj al-Balāghah*, the research highlights the text's enduring relevance for educational theory and practice, particularly in contexts seeking to integrate moral, spiritual, and civic dimensions of human development.

References

- Abbasi, F. (2013). Definition, Scope, and Types of Freedom in Religious Government from the Perspective of Nahj al-Balagha. *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, 1(2).
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 12). University of Tehran Press.
- Fathi Vajargah, K., & Vahed Chookdeh, S. (2006). Identifying the Challenges of Citizenship Education in the Hidden Curriculum. *Journal of Educational Innovation*, 5(17).
- Javanbakht, F., Pahlavan, M., & Taremirad, H. (2018). The Role of Reflective Thinking in the Islamic Lifestyle from the Perspective of Nahj al-Balagha. *Scientific Quarterly of Nahj al-Balagha Studies*(56).
- Khajehpiri, F. (2012). Freedom from the Perspective of Imam Ali (Peace Be Upon Him). Fourth Strategic Thought Conference,
- Khatami, M. a.-S., Rezaei, M., Moghimi, Z., Moradabadi, A., & Hamdani, M. (2019). *Nahj al-Balagha Coursebook*. Office for the Publication of Islamic Teachings, Representative Office of the Supreme Leader in Universities.
- Khezri Aghdam, M., Sajjadi, S. M., Manouchehri, A., & Sadeghzadeh, A. (2015). Explaining the Principles of Citizenship Education Based on the Philosophy of Hannah Arendt. *Journal of Education*(124).
- Mofatekhari, H., Barani, M. R., & Antighehchi, N. (2013). Religious and Sectarian Tolerance in the Buyid Era. 3(6).
- Mohammadi Pouya, F., & Salehi, A. (2014). Content Analysis of the Holy Qur'an Based on the Concept of Critical Thinking. *Biannual Journal of Educational Sciences from the Islamic Perspective*, 2(3).
- Mohseni, A., & Javadani Moghaddam, M. (2019). Examining the Foundations and Requirements of Political Freedom in the Thought and Practice of Imam Ali. *Journal of Nahj al-Balagha Research*(60).
- Pourtahmasbi, S., & Tajvar, A. (2011). Law and Citizenship Education in Nahj al-Balagha. *Alavi Research Journal*, 2(2).